

در بانی و نفسانی و ملکی و شیطانی و خواطر و اعینة چیزی
باشند که از درون بنده سر برزند و خواطر که از حق باشند
محمود حق باشند و بلا سنگ از بنده در وجود آید و خواطر
که از نفس باشند مذموم بود زیرا که او در اصل خود آماده
بالسواء است **بیت** لم از پیرد مغان یاد کرد که تخم تلخ
سیرین بار نارد و او نطلب الا ما هوای خود و اگر نریم چون
پلنگ و یوزختم کرد بر تو باد که مخالتش کنی **بیت** پیر
میز از نفس و این مبلش که بر ز منتاد سلطان بود و هر
خواطر که از ملک باشند دلالت کند بر چیزی چون امر معروف
و نهی منکر اما هر خواطر که از شیطان بود مثلا چون گوشه
گرسنه بود و خواسته بر تو زخمی زند و هر چند که از طرفی نماند

کنی از طرفی دیگر در آید و خواهد که از معصیتی از تو دور بود
آید بر تو باد که از شر او بشیوم وجود حق بناه کرد تا ترا از شر او
بفضل و کرم خود نگاه دارد و اگر تو امسک کنی بر آید و نتوانی
کردن میان **بیت** ملکی و لیلی و شیطانی واجب باشند سوال
کردن از کسی که اهل بیت آن علمش باشند فاسکوا اهل
الذکر ان کنتم لاتعلمون اما بدانکه علم حال در حالی آید چنانکه
شیخ اوحد الدین که مانی قد الله العزیز فرماید **رباعی**
اسرار حقیقت نشود حاصل بسؤال نه نیز بدر با حق
منصب و مال تا خون نگنی دیده دل پنجاه ساله از قال ترا ده
نماید به حالی یعنی علم از راه گفت شنود حاصل نمی شود چنانکه
فرموده اند **بیت** بایر خود نمفتد حق گفتد روشن کون سخن

کمه خاطر بیکد